

۲ آوریل ۲۰۰۹



نفت و سیزده به در!

«از نظر فقهی انسان حقوق ذاتی ندارد بلکه تکلیف دارد [...] بنابراین، مبنای فقهی نظام قضائی [حکومت اسلامی] ضدقرآنی است [...] در قرآن ۲۰ اصل برای قضاوت شمرده شده که [...] در پیشرفته‌ترین سیستم‌های قضائی [...] به جز چند تا از آنها رعایت نمی‌شود. در این رژیم که اصلاً هیچکدام رعایت نمی‌شود [...]»

منبع: سایت زمانه، گفتگوی اردوان روزبه با بنی‌صدر، مورخ سیزده به در سالجاری.

هم میهنان گرامی! خلاصه می‌گوئیم، همه مصائبی که طی سی‌سال حکومت گورکن‌ها متحمل شده‌ایم، به این دلیل است که حکومت کذا فقهی بوده. اگر حکومت اسلامی «قرآنی» بشود، جمران با تکیه بر «اسلام مترقی» هلند را هم پشت سر خواهد گذاشت! بهتر است خود را برای «جمهوری قرآنی» به رهبری ابوالحسن بنی‌صدر، کاشف اشعه موی زنان و از علمای فقر فرهنگی، که در جایگاه رفیع «صدر هیئت رئیسه بینوایان سیاسی» قرار گرفته، آماده کنیم. در این راستا،

لازم است حزب توده هم یکی از همان بیانیه‌های مکش مرگ‌ما در روزی‌نامه اطلاعات منتشر کند تا از کاروان مزدوری برای سازمان ناتو عقب نمانده باشد. چون این‌روزها دور، دور مزدوری است و بنی‌صدر را می‌بینیم که فعالانه در این «دور» شرکت دارد.

حضرت بنی‌صدر هنگام «دور» زدن، ناگهان به یادآورده‌اند که میرحسین موسوی از نزدیکان «منوچهر قربانی‌فر»، دلال اسلحه در ماجرای ایران گیت است! البته ما پیش از افشاگری‌های جناب بنی‌صدر گفته بودیم که موسوی، مزدور بیگانه است. گفته بودیم که او نیز مانند محمد بهشتی در دانشگاه ملی سابقه خدمت برای ساواک داشته. گفته بودیم که قوم و قبیله‌اش را با ارز حاصل از چپاول نفت به آمریکای شمالی ارسال کرده و ... و اخیراً با توجه به مخالفت وی با خط لوله صلح گفتیم میرحسین موسوی مانند آخوند محتشمی پور و دیگر پیروان خط امام سیزدهم جیره موجب‌شان از قاچاق اسلحه، فروش مواد مخدر و تجارت برده در مناطق محروم بلوچستان ایران و پاکستان تأمین می‌شود. البته موسوی فقط یک حلقه از زنجیره منطقه‌ای مزدوران آمریکا در ایران به شمار می‌رود. محمد خاتمی، بهزاد نبوی، اکبر بهرمانی، آخوند شاهرودی و به طور کلی مقامات حکومت جمکران همگی جیره‌خوار آنگلو ساکسون‌های دمکراسی پروراند. ولی عجیب است که بنی‌صدر، آخوند منتظری و شخص خود را از این زنجیره مزدوری خارج می‌داند:

«اینها همه‌شان در کودتای خرداد ۶۰ شرکت داشتند [...] آقای خاتمی از دوران کودتای ۶۰ به بعد وزیر ارشاد بوده، سرپرست کیهان بوده [...] آقای قربانی‌فر از نزدیکان آقای میرحسین موسوی است. وزیر دفاع انگلستان آلن کلارک [...] در دادگاه در ارتباط با فروش غیرقانونی اسلحه به ایران و عراق گفت: جنگ ایران و عراق به سود انگلستان و غرب بوده [...] جنگ را صدام [آغاز] کرد اما ادامه‌اش را این آقایان تصدی کردند به نفع انگلستان، آمریکا و اسرائیل»
همان منبع

البته اینجا هم بنی‌صدر «فرانسه» را از قلم می‌اندازد! ولی ما به ایشان می‌گوئیم، فرانسه هم مانند دیگر اعضای سازمان ناتو از منافع همین جنگ بهره‌مند شده. فقط نمی‌دانیم دلیل افشاگری‌های دیر هنگام جناب بنی‌صدر چیست؟ گویا باز هم بوی کباب به مشام‌شان رسیده که ضمن بازار گرمی برای آخوند منتظری به تبلیغ برای سنجایی و جبهه ملی قیام کرده‌اند! بگذریم و بازگردیم به «زفراندوم» ۱۲ فروردین‌ماه سال ۱۳۵۸ که به گفته «بی‌بی‌سی»، ۹۸ درصد مردم ایران در آن شرکت داشته‌اند.

البته در اینکه مردم ایران به دلیل سرکوب دوران پهلوی، و در پی بیش از یک سال آشوب و بمباران رسانه‌ای غرب هیجان زده بودند و می‌پنداشتند مشکلات‌شان با تغییر نام حکومت و تبدیل تاج به نعلین حل خواهد شد، تردیدی نیست. همچنانکه بارها در این وبلاگ گفته‌ایم، در دوران پهلوی هم مانند حکومت اسلامی گسترش ابتدال و تقدس

در دستور کار استعمار قرار داشت، و به همین دلیل راه برای گشایش حسینه ارشاد و دیگر مراکز گسترش حماقت هموار بود. برای دریافت بهتر این شرایط بهتر است به نتایج درخشان آن یعنی نخبگان دوره کذا نگاهی داشته باشیم: شریعتی، بنی صدر، قطب زاده، یزدی، چمران، بازرگان، ملکی و ... و هزاران «فاشیست مسلمان» دست پرورده استعمار که به عنوان «آزادخواه» به ملت ایران معرفی شدند. فراموش نکنیم که در میان این گروه ریزه خوار استعمار، یزدی و بنی صدر مسلماً جایگاه ویژه‌ای دارند.

بنی صدر، سال‌ها در پاریس به علافی اشتغال داشت. وی پس از کشف اشعه موی زنان در لابوراتوار حماقت، و دریافت دکترای پریشانگویی، به عنوان نخستین رئیس «جمهور» حکومت اسلامی از صندوق مارگیری استخراج شد. سوابق بنی صدر در پاریس چنان درخشان است که هیچکس از آن صحبتی به میان نمی‌آورد. ولی سوابق خدمت این دانشمند جهان اسلام در حکومت اسلامی را هیچکس نمی‌تواند پنهان دارد. برای پنهان داشتن همین سوابق خدمت است که این موجود مفلوک و پامنبری‌های اش نظیر «دلخواسته»، با پیروی از شیوه تاریخ‌نگاری گورکن‌ها به «افشاگری» در مورد شاپور بختیار مشغول شده‌اند. «دکتر» ابوالحسن بنی صدر، به دلیل ازدواج صبیح دوم‌شان با فرزند حاج «صادق نوبری» نسبتی هم با سنجابی پیدا کرده. چون خانواده «صادق نوبری» از طریق سببی به سنجابی پیوند یافته‌اند و ... و البته این اطلاعات محرمانه است و ما علاقه‌ای به پخش آن نداریم، ولی برای روشن شدن دلائل جست و خیزهای سید ابوالحسن بنی صدر، کاشف اشعه موی زنان در «گویانیوز» جهت کسب وجهه برای سنجابی مفلوک از طریق لجن پراکنی به شاپور بختیار متأسفانه توضیحات کذا لازم می‌نماید. اگر برنامه مهوع بنی صدر ادامه یابد، ما هم اطلاعات بیشتری در اختیار هم‌میهنان گرامی قرار خواهیم داد. پس بازگردیم به مصاحبه اردوان روزبه با بنی صدر.

بله «استاد» بنی صدر در گفتگو با اردوان روزبه چنین فرموده‌اند، که دستگاه سرکوب حکومت استعماری به فرمان خمینی اعدام می‌کرد و خلاصه «نقض حقوق بشر» در ایران به دستور خمینی صورت می‌گرفت! این سخنان بنی صدر هزاره سوم است که هیچ ارتباطی با بنی صدر دوران جنگ سرد ندارد! همچنانکه در سایت ناخدا کلمب هم شاهد بودیم این بنی صدر که با مریم رستگار گفتگو می‌کرد، آن بنی صدر سال ۱۳۵۷ نبود! که اگزستانسیالیست‌ها گفته‌اند، «انسان موجودی است در حال شدن» و این عبارت در رأس اساس نامه «حزب جمهوری اسلامی» هم به چشم می‌خورد! اگر فرض بگیریم که بنی صدر هم انسان باشد باید بپذیریم که او هم موجودی است «در حال شدن»! فقط اشکال کار این سید جمال‌الدین اسدآبادی هزاره سوم اینجاست که «شدن» او برخلاف «انسان آزاد» هیچ ارتباطی با اراده «منطقی» و فردی ندارد!

یادآور شویم که «اراده منطقی» همان «انتخاب آزاد» انسان است. انتخابی خارج از «احساسات» و «باورها». «انسان آزاد»، آزادانه «انتخاب» می‌کند و پیامد اعمال خود را نیز می‌پذیرد. مورد بنی صدر مانند دیگر سیاست‌پیشگان جهان اسلام چنین نیست.

بنی‌صدر در جهت منافع کارخانهٔ رجاله پروری حرکت می‌کند. به همین دلیل است که به شیوهٔ تبلیغاتی ساواک بر ضد شاه در سال ۱۳۵۷ متوسل شده و تلاش می‌کند مشتی پادوی استعمار همچون میرحسین موسوی، خمینی و خاتمی را «تصمیم گیرنده» جلوه دهد. حال آنکه اگر بنی‌صدر خودش را به «کوچهٔ علی‌چپ» زده، ما نیک می‌دانیم که ساواک از حکومت جمکران دستور نمی‌گرفت، و برای رهبر کبیر انقلاب هم تره خرد نمی‌کرد. به همچنین بود در زمان اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی! پس بهتر است جناب بنی‌صدر برای پنهان داشتن دست استعمار در فجایعی که در ایران به وقوع می‌پیوندد، به توهم «استقلال» حاکمیت اسلامی دامن نزنند و مخاطب را ابله نپندارند.

و اما همزمان با افشاگری‌های بنی‌صدر، «چیچو - فرانکو» هم در بخش «سی سال پیش در چنین روزی»، مورخ ۲۵ اسفندماه سال ۱۳۸۷، یک «نامه» منتشر کرده‌اند، تحت عنوان ابله پسند «اسلام مترقی می‌تواند اروپا را فتح کند». این نامه هم مانند بیانیۀ خائنانهٔ حزب توده در روزی‌نامهٔ اطلاعات انتشار یافته! البته در تاریخ ۲۵ اسفندماه سال ۱۳۵۷! و به نظر می‌رسد به فرمودۀ جک سترا و آخوند ویلیامز نگاشته شده باشد. به ادعای «چیچو - فرانکو» و روزی‌نامهٔ مسعودی‌ها، نویسندهٔ نامهٔ کذا از اعضای انجمن اسلامی در اروپا بوده که بی‌باکانه به مسألهٔ حجاب اعتراض فرموده و هیچ نگرانی از قطع جیرهٔ مواجب خود نداشته. به احتمال زیاد کار، کار همین «رضوی فقیه» باید باشد که از شدت روشنفکری گوی سبقت از شاه عباس هم می‌رباید.

رضوی فقیه را که فراموش نکرده‌ایم، از آغاز انقلاب کبیر روح‌الله ریاست اوباش‌الله در اروپا بر عهدهٔ ایشان است، و این اواخر در «رکاب» مسعود بهنود پای ثابت مراسم مرده‌پرستی در لندن شده‌اند. ایشان در سن «خرپیره» هوس دکتری گرفتن در فرانسه هم کرده‌اند، و آزاده کیان خیلی برای این استعداد ناشکفته نگران بودند که «تزشان» به تأخیر می‌افتد! دیدیم که این عملةٔ حکومت از همان زندان «فرضی» هم آزاد شد و به فعالیت انتخاباتی برای خاتمی پرداخت تا با شعار بر ضدلیبرالیسم فضای سیاسی را به خیال‌خام خود و اربابان‌اش دوقطبی کرده، خود را چپ‌گرا، و خاتمی فاشیست را هم «لیبرال» جا بزند.

البته در شیپور روتاری کلاب، نویسندهٔ نامه «محمد حافظی» نام دارد! محمد حافظی با استفاده از موج کوتاه رادیو تهران و با اتکاء به ترهات امام سیزدهم، بنی‌صدر و دیگر آیات عظام «معتقد» هستند که اسلام می‌تواند بر دین مسیح پیروز شود و خلاصه غرب را تسخیر کند! چون دین مسیح خرافات است! حتماً در ذهن علیل محمدحافظی، اسلام خیلی خیلی «علمی» است:

«ما [...] معتقد هستیم که اسلام می‌تواند بر مذهب خرافاتی مسیحیان [...] غلبه نموده و اروپا و آمریکا را تسخیر نماید.»

محمدحافظی برای تسخیر غرب سه رهنمود ابلهانه هم ارائه می‌دهد:

«به هر گدا و بیسواد و بی‌سروپائی اجازه داده نشود که عمامه بر سر گذاشته و آبروی روحانیت و اسلام را ببرند. [...] پوشیدن چادر در کوچه و خیابان ممنوع گردد تا [...] اجتماع ما به یک اجتماع مترقی اسلامی منطبق گردیده از تقلید عربی بیرون آید [...] یک ایستگاه رادیویی اسلامی [...] همانند رادیوی واتیکان در رم تأسیس گردد [...]»
از طرف انجمن اسلامی مهندسين شهر اگسبورگ آلمان، محمدحافظی

بله به زعم نویسنده نامۀ ارتش ناتو می‌بایست برای کودتا به ایرانیان شریف متوسل می‌شد تا جامعه ایران پیشرفت کند! اشکال اینجاست که خارج از دجال و رجاله و جنایتکار هیچکس با استعمار همکاری نمی‌کند. این است رمز «رهبری» خمینی و ریاست جمهوری بنی‌صدر در ایران. و این است رمز ریاست حمیدکرزای در افغانستان. پس نگاهی داشته باشیم به نتیجه درخشان فعالیت‌های آزادیبخش ارتش ناتو در این کشور:

«بر اساس اصل ۱۳۲ قانون خانواده در افغانستان، زنان باید به خواسته‌های جنسی همسران‌شان تن دهند. مردان همچنین می‌توانند حداقل هر چهار شب یکبار با زنان خود همبستر شوند.»

منبع: رادیو فردا، مورخ سیزده به در سال ۱۳۸۸!

البته این قوانین توحش از نوع «اسلامی» است، چرا که «حداکثر» مشخص نشده! بی‌صبرانه منتظریم که «استاد» بنی‌صدر از نوع «قرآنی» آن هم چند نمونه برای مسلمین ارائه دهند، تا نحسی سیزده به در شود.

امروز سیزده به در نیست! چون یک هلیکوپتر «سوپرپوما» حامل کارکنان «نفتی - نظامی» بریتیش پترولیوم شب گذشته در دریای شمال سقوط کرد و هر چند اکثر رسانه‌ها خفقان گرفته‌اند، الیزابت دوم، ملکه انگلستان و گوردون براون، نخست وزیر این کشور به خانواده «شهدا» تسلیت گفتند! به نظر می‌رسد ۱۸ سرنشین هلی‌کوپتر کذا قصد برپائی مراسم سیزده به در را داشتند، و برای گره زدن سبزه بر فراز دریای شمال پرواز می‌کردند که ناگهان به «نحسی» سیزده دچار شدند! در نتیجه ناخدا کلمب که تلاش می‌کرد به هر ترتیب شده جای پای جمشیدشاه را در سرزمین «مقدس» انگلستان بازسازی کند و «بریتانیا» را در اسکاتلند به عقد کینگ جمشید در

آورد، از برگزاری مراسم سیزده به در خودداری کرد و رسانه‌های فارسی زبان هم برای ابراز همدردی با ناخداکلمب خفقان گرفتند.

بله امروز سیزده به در نیست، چون نیکولاسرکوزی، برخلاف قولی که بعضی‌ها به تایمز لندن داده بودند، یا برخلاف وعده‌ای که اربابان تایمز از زبان سرکوزی به حاکمیت انگلستان داده بودند، نه تنها نتوانست جهت «حفظ وضع موجود» نشست گروه ۲۰ را ابر کند که گروه ۲۰، به گفته مانوئل باروسو، رئیس کمیسیون اروپا و به نقل از فیگارو، مورخ سیزده به در ۲۰۰۹ به نتایجی بیش از حد انتظار دست یافت! نتایج مذکور عبارت است از «تهدید» دکان‌های پر رونق پول شوئی که یکی از پررونق‌ترین‌شان به برکت حکومت گورکن‌ها، در امارات «فعالیت اسلامی» دارد. امارات همانجائی است که «آل نهیان» و «آل مکتوم» افتخار خدمت به الیزابت دوم و تأمین پول توجیبی طالبان را دارند. و محمدبن راشد آل مکتوم همان کسی است که در رأس یک هیئت به طول یک قافله شتر جهت «عرض ارادت» راهی مسکو شده بود تا «روابط فرهنگی» و «انسانی» را با روسیه توسعه دهد. ظاهراً آل مکتوم به اندازه کافی روابط را «توسعه» نداده، چون «آه» مدودف سرنشینان هلی کوپتر بریتیش پترولیوم را گرفت.

بله به محض اینکه آن هلی کوپتر «سوپیروما» در دریای شمال سقوط کرد، نشست سران گروه ۲۰ هم به نتایج بیش از حد انتظار دست یافت. البته کسی از سرنشینان هلی کوپتر شهید حرفی به میان نمی‌آورد، چون در واقع آنچه اهمیت دارد این است که بریتیش پترولیوم، یا بهتر بگوئیم حاکمیت انگلستان بداند و آگاه باشد که پایانه نفتی دریای شمال هم می‌تواند «ابتر» شود. خلاصه اوپاما بی جهت به ژاک شیراک نامه نوشته بود! در شرایط کنونی آنگلساکسون‌ها نمی‌توانند با توسل به حاکمیت فرانسه «جبهه دوم» باز کنند و فضای سیاست جهانی را به صورت کاذب دوقطبی کنند. با توجه به نتایج نشست گروه ۲۰ باید بگوئیم آنگلساکسون‌ها بخوبی دریافتند که جنگ سرد به پایان رسیده و پافشاری بر سیاست‌های جنگ سرد می‌تواند عواقب ناخوشایندی داشته باشد.